

بیماریها توسط اروپاییانی بود که همواره بر این جامعه مصیبت زده، تلفات زیادی وارد می‌کرد و تا دهه ۱۵۷۰ جمعیت این سرزمین را تا کمتر از یک دهم میزان اصلی آن کاهش داد. هر چند جمعیت اصلی کارائیب به‌طور مؤثری تا نیمه سده ۱۷ میلادی تدریجاً تا صفر نیز کاهش یافت، ولی امروزه کمتر از ۱۰۰۰ دومیکنی ادعای وابستگی به اجداد سرخپوستان امریکایی را می‌کنند.

ربع دوم سده هفدهم، شاهد کاهش نهایی تعداد جمعیت بومی جزایر کارائیب و فرونشینی ادعای ایبریها در حاکمیت بر تمامی قاره امریکا بود. در کارائیب، بریتانیا، سنت کیتس^{۳۷} و باربادوس^{۳۸} را به تصرف خود در آورد و فرانسه بر گوادلوپ^{۳۹} و مارتینیک^{۴۰} و هلند بر کاراساو^{۴۱} دست یافت. تا سال ۱۶۵۰، ۱۵۰/۰۰۰ اروپایی در منطقه وجود داشتند که یک سوم از آنها بریتانیایی، تقریباً یک سوم فرانسوی و کمتر از یک سوم از ایشان اسپانیایی بودند و این در حالی بود که اسپانیا تمامی جزایر پهناورتر را در اختیار خود داشت. تنباکو که محصول عمده‌ای بود، در امریکای شمالی بهتر رشد می‌کرد و محصول انتخابی دوم یعنی شکر به نیروی کاربرندگان نیازمند بود و نه کشاورزان اروپایی. همزمان با انتقال سیاه پوستان توسط کشتی به منطقه، اروپاییان آن را ترک کردند. نتیجه آن افزایش زیاد در تعداد سیاه پوستان (از ۲۰۰۰۰۰ نفر در سال ۱۶۵۰ به ۵۰۰۰۰۰ نفر در ۱۷۰۰) و کاهش در جمعیت اروپاییان بود که با آن تناسبی نداشت (از ۷۵٪ به ۲۰٪) و به‌طور مطلق این کاهش از ۱۵۰/۰۰۰ نفر به ۱۰۰/۰۰۰ نفر بود. اسکان دوباره در جزایر کارائیب با جمعیتی عمدتاً افریقایی تبار در آغاز سده هجدهم صورت گرفت.

سده هجدهم دوران ثبات نسبی سیاسی - اقتصادی بود. تا آغاز این سده، بریتانیا و فرانسه، هر یک جزیره‌ای بزرگ به امپراتوریهای خود در کارائیب افزوده بودند: بریتانیا، جامائیکا و فرانسه، هائیتی (هیسپانیولای غربی) را از آن خود کرده بودند. در سال ۱۸۰۰ م. جمعیت بردگان این دو پهنه، از تقریباً صفر به ترتیب به حدود ۳۰۰/۰۰۰ و ۵۰۰/۰۰۰ نفر رسید (در مقابل، جمعیت سفید پوست این دو کشور ۲۰۰۰۰ و ۳۰۰۰۰ نفر بود). این تعداد جمعیت سفید پوست، تقریباً نیمی از تعداد سیاهان را در طول سده نوزدهم وارد کردند، یعنی ۱/۲۵۰/۰۰۰ نفر از ۲/۷۵۰/۰۰۰ نفر سیاه پوست. چون افزایش جمعیت بردگان بخودی خود ادامه نمی‌یافت، تعدادشان تنها به این علت رشد یافت که ورود بردگان، بیش از آن مقداری بود که کاهش میزان جمعیت، که به دلیل کار زیاد ظالمانه، سوء تغذیه و مسائل جنسی، آن را جبران می‌کرد. در حقیقت روشن می‌شود که در طول سده هجدهم، ورود جمعیت به داخل تقریباً ۳ میلیون نفر بود و بدین ترتیب رشد ۱/۵ میلیون نفری حفظ می‌شد. در هیچ جای دیگری،

افریقاییها به اندازه این سرزمین در رنج به سر نبردند.

تجارت برده متوقف شد و برده‌داری نیز در خلال سده ۱۹ میلادی ملغی شد. پیش از توقف تجارت برده و برده‌داری، ۷۵۰/۰۰۰ افریقایی دیگر در جزایر کارائیب پیاده شدند. آنان اغلب توسط کشتیهای اسپانیایی حمل شدند. اسپانیاییهایی که به علت نبود رقابت، تجارتشان را در آخرین دهه‌های الغای برده‌داری گسترش دادند و بدین ترتیب به ثروتی دست یافتند. بزودی استعداد ذاتی افریقایی برای تولید مثل دوباره رخ نمود و افزایش مجموع جمعیت تمام جزایر کارائیب آغاز شد. تعداد جمعیت کوبا به علت مهاجرت انبوه اسپانیاییها (۷۵۰۰۰۰ نفر) و کارگران سیاه پوست از جزایر فقیرتر (۲۵۰/۰۰۰ نفر و عمدتاً هائیتی‌ها) افزایش یافت و این مسأله به حفظ جمعیت کوبا، بزرگترین جزیره آنتیل، پیش از جمعیت دیگر جزایر کمک کرد. این مهاجرتها همچنین، نیمی از جمعیت اصیل سفیدپوست کوبا را ثابت نگه داشت. در مقابل، جمعیت هائیتی تنها کشور کارائیب که در پایان سده هجدهم میلادی هنوز هم فعالیت‌های برده‌داری به طور موفقیت آمیزی در آن صورت می‌گرفت - ۱۰۰٪ سیاه پوست باقی مانده است و این کشور به اندازه‌ای فقیر است که قادر به حفظ میزان افزایش جمعیت به مانند دیگر کشورها نمی‌باشد.

در سده بیستم مهاجرت انبوهی از جزایر کارائیب به ایالات متحده امریکا (اکنون در این کشور ۷۵۰/۰۰۰ کوبایی الاصل و ۱/۷۵۰/۰۰۰ پورتوریکویی زندگی می‌کنند) و انگلستان (۷۵۰/۰۰۰ نفر عمدتاً جامائیکایی) انجام گرفته است. انگلستان گامهایی را در جهت از بین بردن مشکلات ناشی از تعداد در حال افزایش و منابع محدود برداشته است. آمار مربوط به جمعیت جزایر گوناگون و گروه‌های جزیره‌ای همراه با تخمینهایی در ارتباط با دورانهای نخستین و نمایی تقریبی از ترکیب نژادی کنونی جزایر کارائیب در جدول ص ۴۲۲ ارائه شده است. درصد جمعیت غیر افریقایی کارائیب بیشتر سفیدپوست است، بجز در مورد ترینیداد^۱ و تویاگو^۲ که جمعیت این دو به طور کامل تقریباً آسیایی است؛ این جمعیت آسیایی، نتیجه ورود کارگران استخدامی از هندوستان در بین سالهای ۱۸۳۷ تا ۱۹۱۷ می‌باشد.

منابع اولیه و کتابشناسی

مباحثه‌ای جالب درباره میزان جمعیت هند غربی پیش از تصرف، بین *A. Rosenblat* در *La Poblacion de America en 1492 (1967)* - که ارقام تخمینی وی در این کتاب مورد استفاده قرار

مساحت و جمعیت جزایر کارائیب:

جزایر	مساحت (به کیلومتر مربع)	جمعیت
باهاما	۰/۰۱	۱۹۵۰
جزایر آنتیل بزرگ		
کوبا	۰/۱۲	۱۱۰
جامائیکا ^۱	۰/۰۱	۰/۰۵
هایتی	۰/۰۳	۰/۰۳
جمهوری دومینکن	۰/۰۵	۰/۰۷
پورتوریکو	۰/۰۱	۰/۰۱
جزایر آنتیل کوچک	۰/۰۲	
جزیره ویرجین ایالات متحده		
جزایر بادیناه بریتانیا ^۱	۰/۰۱	۰/۰۳
گراند لوب	۰/۰۲	۰/۰۲
مارتینیک	۰/۰۲	۰/۰۲
جزایر ماداگسکر بریتانیا ^۲	۰/۰۱	۰/۰۱
باربادوس	۰/۰۴	۰/۰۸
ترینیداد و توباگو	۰/۰۴	۰/۰۲
جزایر آنتیل هلند ^۳	۰/۰۱	۰/۰۱
جزایر برمودا ^۵	۰/۰۱	۰/۰۱
مجموع	۰/۲۴	۰/۲۰

گرفته است - و w. Borah در S.F. Cook در *Essays in Population History I (1971)* که تنها جمعیت هیسپانیولا را ۷ تا ۸ میلیون نفر تخمین می‌زنند - صورت گرفته است. احتمالاً تخمین ۳۰۰۰۰۰ نفر توسط Rosenblat برای منطقه اندکی بیش از اندازه می‌نماید.

در مورد ارقام جمعیت سده‌های استعمار، آشفتگی به چشم می‌خورد؛ چون نیاز به این آمار احساس می‌شد و شمارش جمعیت اندک اروپاییان آماده نبرد و بردگانی که اروپاییان از آنها بهره می‌بردند، آسان بود.

برای اطلاع درباره جمعیت کوبا نگاه کنید به:

J. Perez de la Viva in Cahiers des Ameriques Latines, serie Science de l'homme 8

(1973)

و قسمت تاریخی سرشماری سال ۱۸۸۹ (در سرشماریهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ تجدید چاپ شده است). چنین به نظر نمی‌رسد که از هنگام انتشار گزارش *U.S. War Department (Vol. I. Part B)* این آمارها برای جمعیت نگاران تاریخی پژوهشگر درباره نیمی از هیسپانیولا و پورتوریکو مفید باشد. برای اطلاع درباره جمعیت جامائیکا و جزایر آنتیل کوچک بریتانیا مراجعه کنید به:

V. Wells, the Population of the British Colonies in America before 1776 (1975); B

Edwards, History of West Indies (1793) and G.W. Robert, The Population of Jamaica (1953).

پژوهش کلی بهتر توسط Rosenblat^{*} صورت گرفته است، هرچند تخمین ۶۵۰۰۰۰ نفری برای سال ۱۶۵۰ توسط وی - که از Wilcox^{*} استنتاج شده است - بسیار زیاد می‌نماید. برای اطلاع درباره تجارت برده نگاه کنید به Curtin^{*}

۲ - جزیره ویرجین بریتانیا، سنت کیتس و نویس، آنتیگوا و مونتسرات

۳ - دومینیکا، سنت لوسیا، سنت وینسنت و گرنادا

۴ - آروبا، کوراسائو و بونیر

۵ - جزایر برمودا در اقیانوس اطلس قرار دارد و نه در دریای کارائیب و برای آسانی در این جا ذکر شده است.

قاره آمریکا ۶

کلمبیا، ونزوئلا و گویان ۲/۵۲۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

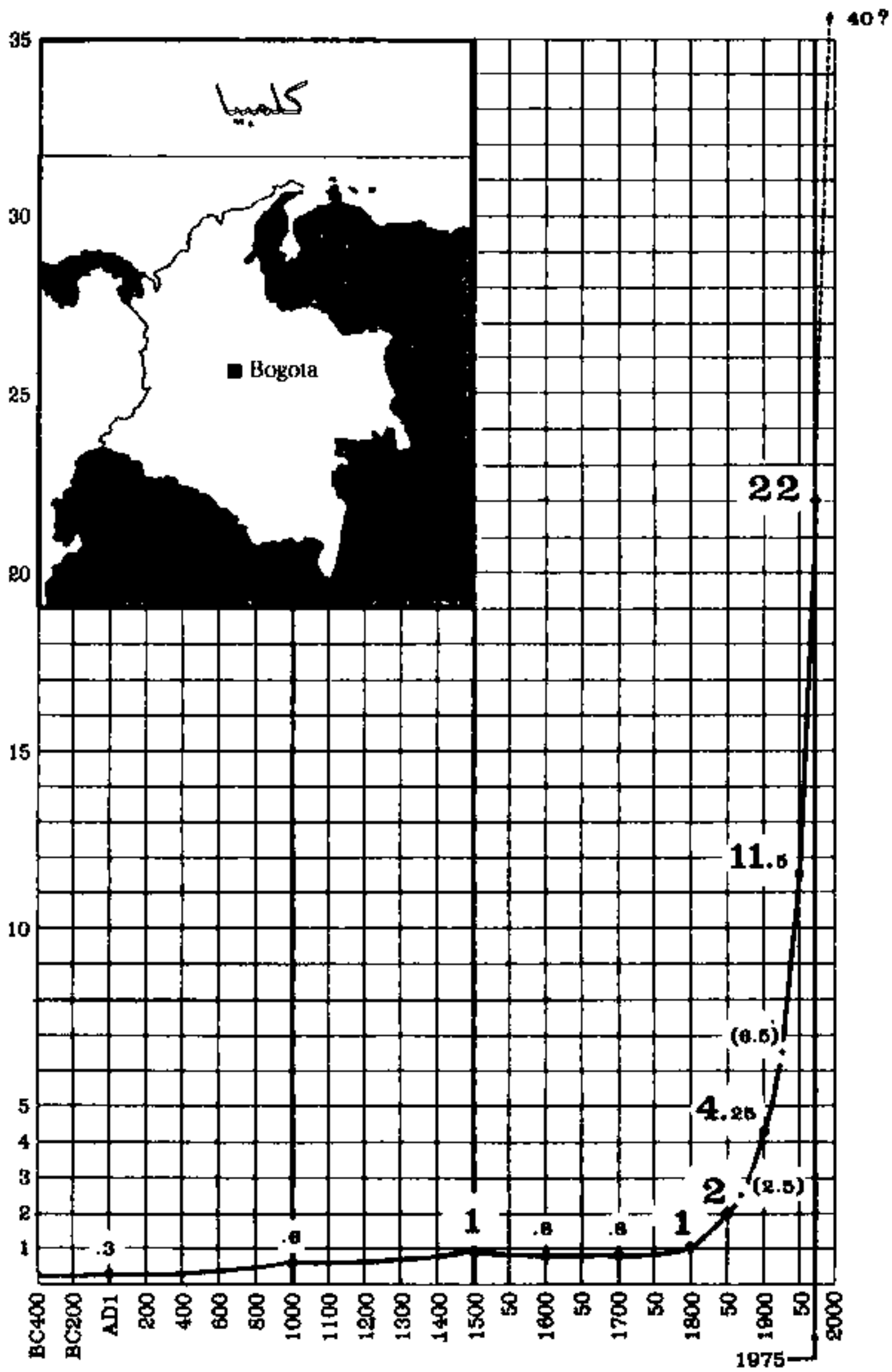
۱-۶ کلمبیا ۱/۱۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

۲-۶ ونزوئلا ۹۱۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

۳-۶ گویان ۴۷۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

گسترش زراعتی این منطقه، پیش از دوران اسپانیا، از غرب به شرق بود. در این هنگام، کلمبیای غربی در حاشیه کناری منطقه آند قرار داشت که سرانجام امپراتوری اینکارا تشکیل داد. در این بخش غربی بود که نخستین تجربه در زمینه کشاورزی به وقوع پیوست (۵۰۰۰ سال پیش از میلاد) و اولین دهکده‌های زراعتی پدید آمد (در طول دوران هزاره دوم پیش از میلاد). در مقابل، یابندگان ناآزموده غذا، به صورتی پراکنده در شرق اسکان یافتند. این مساله بیانگر آن است که چرا کلمبیا دوسوم جمعیت را در خود جای داده است و بویژه آن که چگونه ۱ میلیون از ۱/۵ میلیون نفر جمعیت در ۱۵۰۰ م. در این منطقه زندگی می‌کردند؟

تسلط اسپانیا، پیامدهای معمولاً دهشتناکی همراه با کار اجباری در معادن، در این بخش از آمریکای لاتین را در پی داشت. تا ۱۶۵۰ جمعیت بومی تا یک سوم کاهش یافته بود. حفظ نژاد اصیل سرخپوستان آمریکایی تداوم یافت، ولی پس از آن تا به امروز اصالت نژاد تنها در یک یا دو درصد از مجموع جمعیت وجود دارد. اما از سده هفدهم، رشد جمعیت مستیزو، در مقابل این کاهش، جبران شده و تداوم جمعیت قدرتمند غیر اروپایی، حفظ شده است. چون در کنار جمعیت مستیزو، ساکنان سفیدپوست (عمدتاً اسپانیایی) و بردگان سیاه آنان در شمارش تعداد مورد توجه قرار می‌گیرد، مجموع جمعیت هیچ‌گاه کاهش بسیار نداشته است. تعداد هر گروهی به حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر در اواخر سده ۱۷،



قاره امریکا ۱-۶

/ جمعیت کلمبیا در ۱۹۹۰ م. : ۱۰۰۰ / ۴۲۵ / ۳۱ نفر /

بالغ می‌شد.

در طول سده هجدهم، جمعیت سفیدپوست به سرعت افزایش یافت (این افزایش بیشتر طبیعی بود). جمعیت سفید پوست تا هنگام استقلال در اوایل سده نوزدهم به حدود یک چهارم مجموع جمعیت بالغ می‌شد. جمعیت سیاهان و مولاتو^{۱۳} - دسته‌ای پراکنده و گوناگون از رانده شدگان و بردگان در درجه‌های مختلفی از آزادی - یک هشتم دیگر جمعیت را شامل می‌شد. بقیه گروهها عبارت بودند از مستیزوها و سرخپوستان امریکایی.

از زمان استقلال، جمعیت دو کشور کلمبیا و ونزوئلا به افزایش خود به صورتی عمدتاً طبیعی ادامه داده است. تنها استثنای مهم این نتیجه کئی، ظهور در روند و مهاجرت محدود، از اروپا (وکلمبیا) به ونزوئلا - مهاجرت نخست پیش از جنگ دوم جهانی و مهاجرت دوم بلافاصله پس از آن - است. این مهاجرتها، تقریباً ۵۰۰۰۰۰ نفر را به جمعیت ونزوئلا افزود (که عمدتاً از اگیری یا ایتالیایی بودند) و به جمعیت سفید پوست امکان داد تا سطح یک پنجم مجموع جمعیت دیرینه خود را حفظ کنند.

در شرق این دو کشور بزرگ، سه کشور کوچک قرار دارد: گویان، که در دوران استعمار بین بریتانیا، هلند و فرانسه دست به دست شد؛ سورینام و گویان فرانسه که هم اکنون نیز غیر مستقل است. تا زمان پیدایش اقتصاد زراعتی در سده نوزدهم، جمعیت این کشور اندک باقی ماند. این گونه اقتصاد به کارگران قراردادی آسیایی وابسته بود که در زمان استعمار هلند، از هندوستان و اندونزی و در زمان استعمار بریتانیا از هندوستان آورده می‌شدند. بین ۱۸۳۹ تا پایان این روند در ۱۹۱۷، ۲۴۰/۰۰۰ نفر وارد شدند. نتیجه آن در گویان و سورینام ناهمگونی نژادی است که از آمیزشی بی مانند سرچشمه گرفته است. جمعیت ۸۰۰/۰۰۰ نفری گویان عبارت است از: ۵۰٪ هندی، ۳۰٪ سیاه، ۵٪ سرخپوست، ۲٪ سفیدپوست و ۱٪ چینی همراه با ملیتهای دیگر. جمعیت ۴۰۰۰۰۰ نفری سورینام عبارت است از: ۴۰٪ سیاه، ۴۰٪ هندی، ۱۶٪ اندونزیایی، ۲٪ چینی، ۱٪ سفید پوست و ۱٪ سرخپوست گویان فرانسه تنها ۶۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

منابع اولیه و کتابشناسی

نخستین منابع متداول درباره امریکای لاتین عبارت است از: تخمینهای مبهم در سده ۱۶، اسناد مالیاتی در سده ۱۷ و ۱۸ و شمارشها و سرشماریها. سالهای انجام سرشماری بدین قرار است: کلمبیا ۱۷۷۸، ۱۷۸۲، ۱۸۰۳، ۱۸۱۰، ۱۸۲۵، ۱۸۳۵، ۱۸۴۳، ۱۸۵۱، ۱۸۶۴، ۱۸۷۰، ۱۸۸۵، ۱۹۰۵، ۱۹۱۲، ۱۹۱۸، ۱۹۲۸،

۱۸۸۱، ۱۸۷۳، ۱۸۵۷، ۱۸۵۴، ۱۸۴۴/۷، ۱۸۳۸، ۱۷۸۷ ونزوئلا؛ ۱۹۷۳، ۱۹۶۴، ۱۹۵۱، ۱۹۳۸، ۱۸۹۱، ۱۹۲۰، ۱۹۲۶، ۱۹۳۶، ۱۹۴۱، ۱۹۵۰، ۱۹۶۱، ۱۹۷۱؛ گویان ۱۸۴۱/۴، هر ده سال ۱۸۵۱-۱۹۳۱ (باستثنای سال ۱۹۰۱)، ۱۹۴۶، ۱۹۶۰، ۱۹۷۰؛ سورینام ۱۹۶۴.

در *Sanchez-Albornoz** خلاصه‌ای از فعالیتی که درباره جمعیت بومی کلمبیا صورت گرفته موجود است. بطور معمول ما برای ارقام مربوط به دوران پیش از استعمار به *Rosenblat** مراجعه می‌کنیم که آمار آن نزدیک به ارقام ارائه شده در *J.H. Steward, Handbook of South American Indians, Vol5 (1949)* است. ارقام مربوط به دوران پس از استعمار مبتنی است بر: *Sanchez-Albornoz, Rosenblat and Baron Castro*.

همچنین نگاه کنید به:

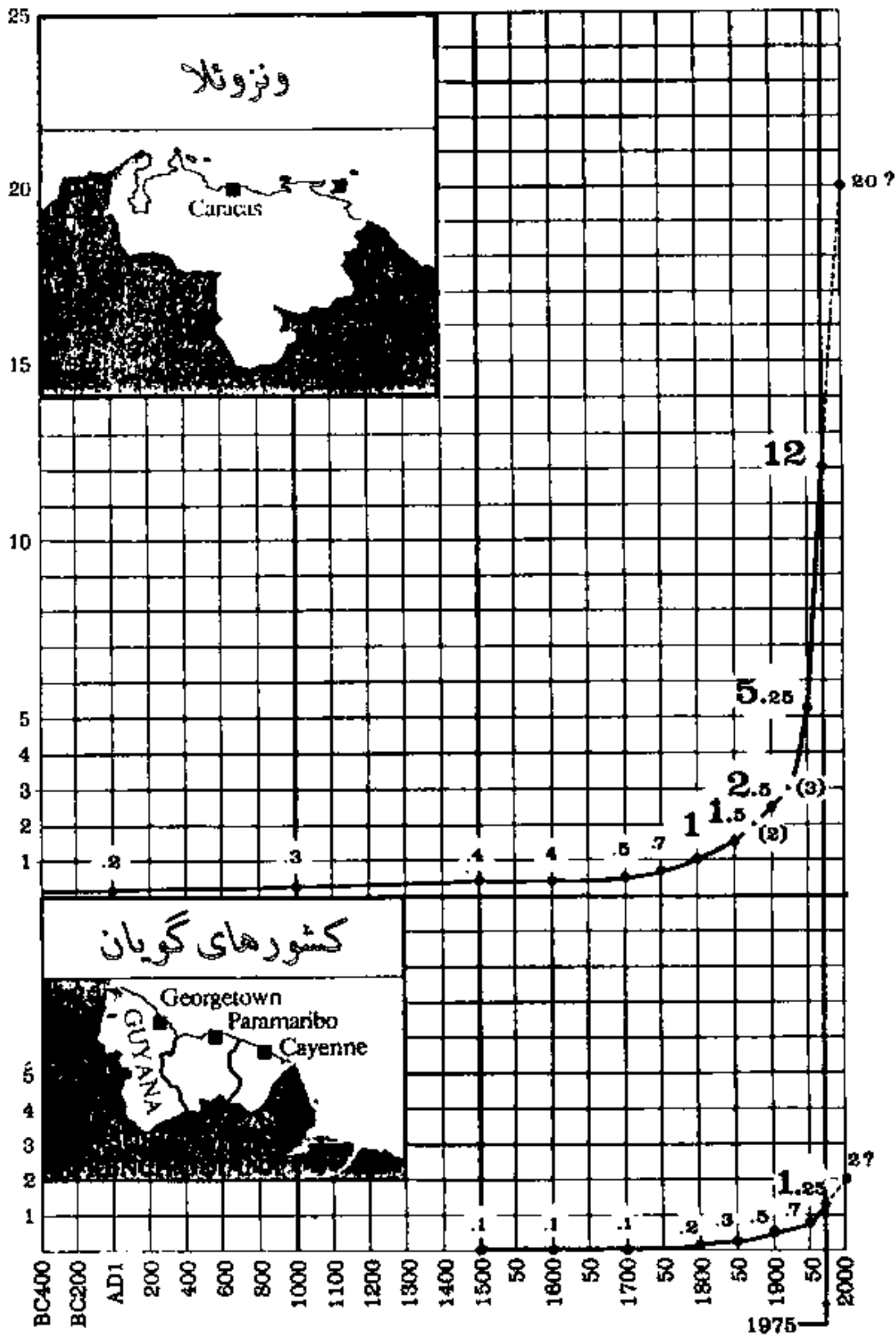
F. Brito Figueroa, Historia economica y social de Venezuela (1966), T.L. Smith on Colombia in Journal of Inter - American Studies 8,2 (1966) and J.L. de Lannoy and G. Perez Estructuras demograficas y Sociales de Colombia (1961)

برای گویان مراجعه کنید به:

D. Nath, A History of Indian in Guyana (1970)

و برای سورینام نگاه کنید به:

H.E. Lamur, The Demographic Evolution of Surinam 1920 - 1970 (1973).



قاره آمریکا ۲-۶ و ۳-۶

/ جمعیت ونزوئلا در ۱۹۹۰ م.: ۱۹/۴۹۰/۰۰۰ نفر، کشورهای گویان

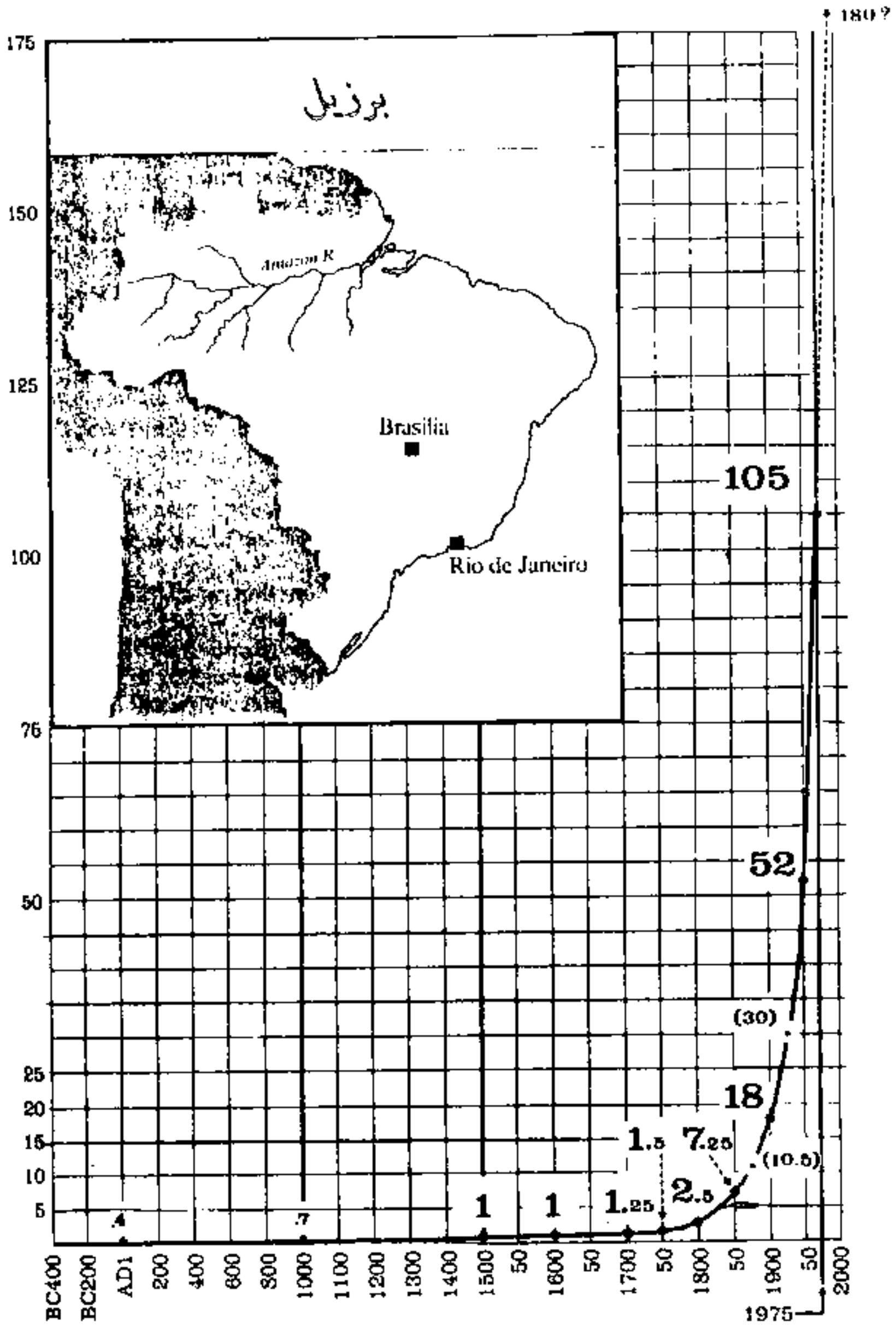
/ ۱/۳۰۳/۲۰۰ نفر

قاره آمریکا ۷

برزیل ۸/۵۱۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

هنگامی که پرتغالیها، در آغاز سده ۱۶ میلادی برزیل را کشف کردند، جمعیت تمام این سرزمین پهناور کمتر از ۱ میلیون نفر بود. کشاورزی ثابت و تراکم نسبتاً زیاد جمعیت مرتبط با آن، تقریباً به طور کامل به مناطق سفلی آمازون محدود بود. در دیگر مناطق برزیل، مردم عمدتاً به جمع آوری رستی‌ها وابسته بودند و ارقام تراکمی جمعیت به طور مشابهی پایین است. در سالهای پس از ورود پرتغالیها، این تراکم اندک جمعیت در بومیها نیز وجود داشت. آنان بسیار پراکنده بودند، به طوری که تازه واردها و میکروبیها به آسانی نمی‌توانستند به آنها دست یابند. اما الگوی ارتباط به هر شکلی کاهش و ویرانی تنها به تعویق افتاد. در حالی که استعمار از جانب سفید پوستان گسترش می‌یافت. تعداد جمعیت بومی - به ۷۰۰۰۰۰ نفر در ۱۷۰۰ م.، ۵۰۰۰۰۰ نفر در ۱۸۰۰ و به ۲۰۰۰۰۰ نفر کنونی - کاهش یافته است.

برزیل یادگار تاریخی دیرینه از دوران شکوه دریایی پرتغال بود. با وجود این بیشتر تلاشها توسط کشور مادر در زمانی که به پیدایش امپراتوری پرتغال در شرق شد، صورت گرفت. چنین برآورد شده است که حفظ نیروی ۱۰۰۰۰ نفری در ساحل شرقی، به بهای زندگی ۱۰۰۰۰۰ پرتغالی در طول سده شانزدهم انجامید که برای کشوری که مجموع جمعیتش تنها ۱/۲۵ میلیون نفر تا ۲ میلیون نفر بود کاهش سنگین محسوب می‌شد. در مقابل، برزیل به وسیله یک جریان مهاجرت به خارج (تا پس از ۱۶۰۰ م.) که بیش از ۱۵/۰۰۰ نفر بود، به صورت زیستگاهی درآمد.



قاره امریکا ۷

/ جمعیت برزیل در ۱۹۹۰ م. : ۱۴۸ / ۸۲۵ / ۰۰۰ نفر /

برای مدت درازی، تعداد پرتغالی‌هایی که در برزیل اسکان یافتند، بسیار اندک باقی ماند. در ۱۵۵۰ جمعیت سفیدپوست تنها ۱۵۰۰۰ نفر بود و این روند تا پایان سده شانزدهم که دو برابر شد، ادامه داشت. تا ۱۶۵۰، جمعیت تقریباً ۷۰۰۰۰ نفر بود. این ساکنان، اقتصادی زراعتی را که ابتدا توسط سرخپوستان به بند کشیده شده، اداره می‌شد پیاده کردند و پس از آن در پی مرگ این مردم مصیبت دیده، اجرای این شیوه اقتصادی بویژه توسط افریقایی‌های مهاجر و برده صورت می‌گرفت. در ۱۶۵۰، تعداد این سرخپوستها نسبت به اربابان سفید پوستشان، ۲ به ۱ بود. مجموع جمعیت، ۱ میلیون نفر باقی ماند و در این حال رشد جمعیت سفید و سیاه پوست بیش از میزان اختلاف کاهش در تعداد سرخپوستان نبود.

در پایان سده هفدهم، کشف طلا به این جریان خفته تکانی داد. حرکت داخلی مهمی در جمعیت پدید آمد. این حرکت، موج مهاجرت‌های جدید از پرتغال و گامی بلند در ورود بردگان بود. ورود بردگان در سطحی بسیار وسیع، تا نیمه سده ۱۹ ادامه یافت. این مهاجرت‌ها تنها پس از آن که تقریباً همگان از دادوستد برده در اقیانوس اطلس خودداری کردند، صورت گرفت که سرانجام برزلی آن، ارقام نهایی را ثبت کرد. در حدود ۳۵۰/۰۰۰ نفر در دهه ۱۸۲۰ و همین تعداد نیز در دهه ۱۸۴۰ به خشکی پای گذاشتند. تداوم داد و ستد در سراسر نیمه اول سده ۱۹، برزیل را در بالای جدول کشورهای واردکننده برده قرار داد. میزان نهایی مهاجرت، به تعداد زیاد ورود ۳/۵ میلیون افریقایی در طول سالهای ۱۵۵۰ تا ۱۸۵۰ یعنی ۴۰٪ مجموع آمد و شد اقیانوس اطلس افزوده شد.

برزیل در ۱۸۸۲ استقلال یافت. وسعت وابستگی جامعه برزیل به برده‌داری، با ارقام جمعیتی آن روزگار نشان داده می‌شود. از مجموع ۴ میلیون نفر جمعیت این کشور، بیش از ۲ میلیون نفر برده سیاه پوست و تنها ۱ میلیون نفر سفید پوست آزاد بودند. تعداد سرخپوستان کمتر از ۴۰۰/۰۰۰ نفر و ۲۰۰/۰۰۰ نفر دیگر سیاهان و مولاتوهای آزاد بودند.

از زمان استقلال دو حادثه به وقوع پیوسته است: مجموع جمعیت بسیار سریع رشد کرده و به جمعیت سفید، به علت مهاجرت‌های توده‌ای، حتی سریعتر افزوده شده است. سفیدپوستان از ۱ میلیون نفر (۲۵٪) در زمان استقلال عملاً به ۶۰ میلیون نفر (۵۵٪) افزایش یافته‌اند و اگر چه این مساله واقعیت وراثتی را اغراق آمیز می‌کند - چون هر کسی می‌تواند از این واقعیت بگریزد و خود را سفیدپوست بنامد - این افزایش بیش از ۱۰٪ نبوده است. در مقابل سیاهان تا رقم پایین ۱۵٪ (و در حقیقت ۲۵٪) کاهش یافته‌اند. درصد باقیمانده جمعیت به طور مساوی بین مولاتوها و مستیزوها تقسیم می‌شود.

منابع اولیه و کتابشناسی

سالهای سرشماری عبارتند از: ۱۷۷۵، ۱۷۹۸، ۱۸۰۸، ۱۸۲۲، ۱۸۷۲، ۱۸۹۰، ۱۹۰۰، ۱۹۲۰، ۱۹۴۰ و پس از آن هر ۱۰ سال یک بار سرشماریهای اولیه نیاز به تفسیر دقیقتری دارند. این آمارها (و بیشتر سرشماریهای دیگر) توسط *D. Alden* تهیه شده است در:

Hispanic American Historical Review 43, 2 (1963).

اطلاعات اولیه که ظاهراً آمار مناسبی درباره مستعمره نشینها را در بر می گیرد، توسط *Paul Hugon* در: *Demografia Brasileira* (1973) نقل شده است و همچنین توسط *Rosenblat** که تخمینهای معمولش برای سالهای ۱۶۵۰، ۱۵۷۰، ۱۴۹۲ ارائه شده است. میزان تخمینهای وی در انتهای ترین تخمینها درباره جمعیت پیش از استعمار قرار دارد، تخمینهایی که کمترین آن ۱ میلیون و بیشترین آن به ۳/۵ میلیون نفر می رسد.

نسبتهای نژادی نیز توسط *Rosenblat* عرضه می شود (یک تخمین رسمی مناسب برای سال ۱۸۱۸ وجود دارد) و روند آن در: *T. Lynn Smith in Brazil: People and Institutions* (1972) بحث شده است. پژوهشهای زیادی درباره برده داری در برزیل انجام شده است. *Curtin** بهترین مقدمه شمارشی را عرضه می دارد و توافقهایی عمومی جدیدی را نشان می دهد. مهاجرت از ۱۸۷۰ توسط *Hugon* و *Lynn Smith* تحقیق شده و تخمینهای اساسی توسط *Sanchez - Albornoz* نقل شده است.

قاره آمریکا ۸

اکوادور، پرو، بولیوی و پاراگوئه ۳/۰۸۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

۸-۱ اکوادور ۲۸۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

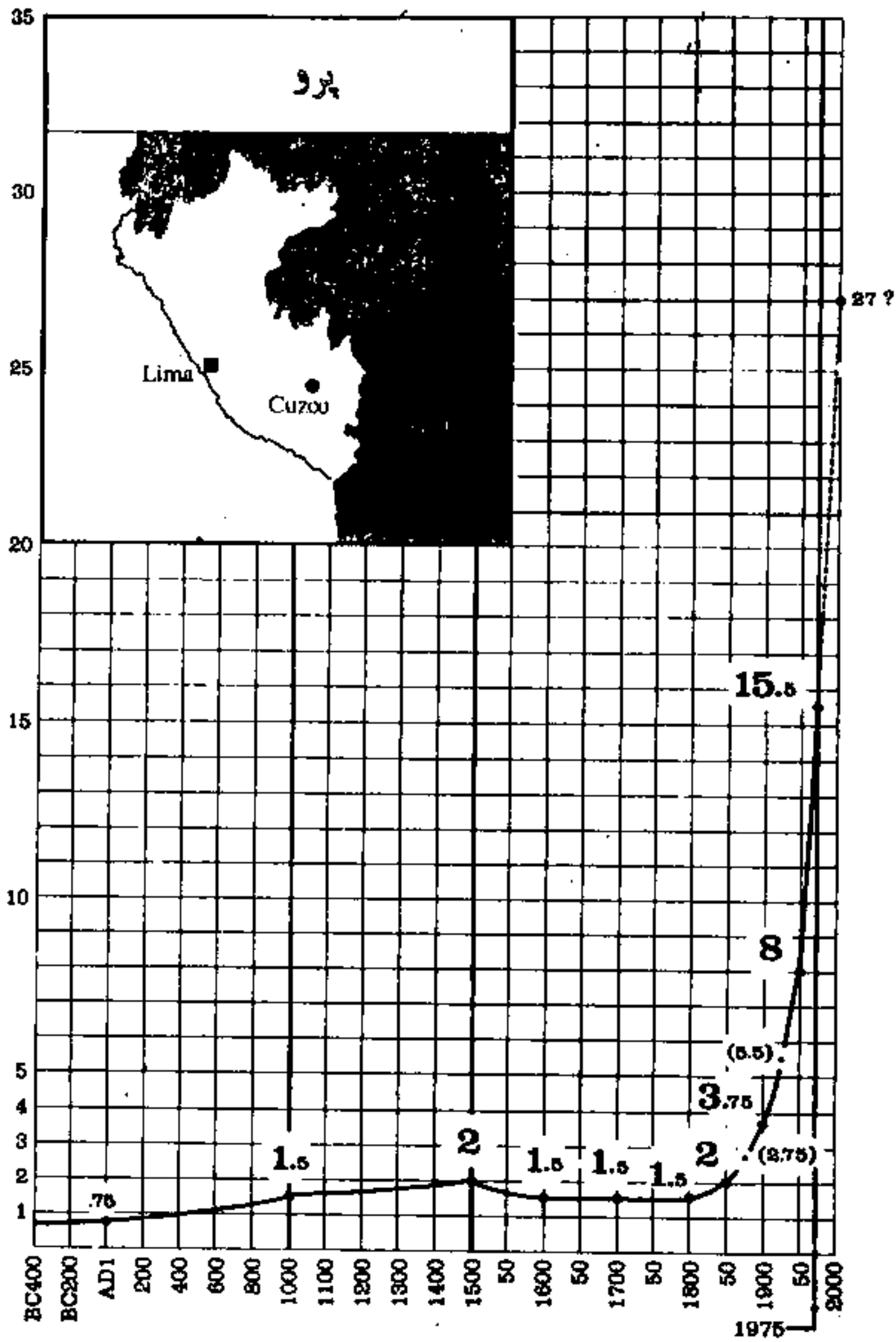
۸-۲ پرو ۲۹۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

۸-۳ بولیوی ۱/۱۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

۸-۴ پاراگوئه ۴۱۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

کسب تجربه‌های کشاورزی، پیش از ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد در منطقه ساحلی اکوادور و پرو آغاز شد. این تجربه‌ها، به اقتصاد زراعتی روستایی در هزاره دوم پیش از میلاد و در حدود آغاز دوران مسیحیت تا زمان پیدایش اصلی تمدن سرخپوستها، توالی فرهنگی آند، و آنچه که سرانجام در سده پانزدهم به امپراتوری اینکا انجامید، منجر شد. مجموع جمعیت در ۱۵۰۰ ق.م. ۴۰۰۰۰ نفر، در ۱۰۰۰ ق.م. ۷۵۰/۰۰۰، در سال اول میلادی، ۱/۲۵۰/۰۰۰ نفر و در ۱۵۰۰ م. ۳/۷۵۰/۰۰۰ نفر بود. حاکمیت اینکا که در طول سده پانزدهم خارج از پایتخت، شهر کوزکو*، توسعه یافت، سرانجام تمام منطقه، به جز سرزمین مسکونی پراکنده شرق بولیوی و ناحیه پاراگوئه را دربرگرفت. بیش از ۳ میلیون بومی به آتاهاوالپا**، آخرین امپراتور اینکا اعلام وفاداری کردند.

نابودی اینکاها، توسط مثنی ماجراجوی اسپانیایی و تلفات زیاد اینکاها رخ نمود. وحشیگری آفات زراعتی و از همه مهمتر، بیماری، جمعیت سرخپوستها را به کمتر از ۲/۵ میلیون نفر تا نیمه سده ۱۷ و به حدود ۲ میلیون نفر تا اواخر سده ۱۸ میلادی رساند. اما سقوط و اضمحلالی در مجموع جمعیت، که در دیگر کشورها روی داده بود، پدید نیامد و مناطق از نظر کشاورزی پیشرفت کمی کرد و سرانجام در حدود ۱۸۰۰ م. تعداد جمعیت بومی بار دیگر شروع به افزایش گذاشت. در ۱۹۰۰، تعداد سرخپوستان به اندازه مردم نژاد اصیل که به ۳ میلیون بالغ شده بود، برآورد می‌شد؛ امروزه این تعداد ۱۲



قاره امریکا ۲۰۸

/ جمعیت پرو در ۱۹۹۰ م. : ۲۶/۰۶۰/۰۰۰ نفر /

میلیون نفر پیش بینی می‌شود.

علاوه بر این که بومیان منطقه آند به عنوان یک قوم برجای ماندند، همواره برتری کمی خود در جمعیت را بر سلطه گران اسپانیایی حفظ کردند. جمعیت اسپانیایی، از ۵۰۰۰۰ نفر در ۱۶۰۰ به ۱۵۰/۰۰۰ نفر در ۱۷۵۰ به ۵۰۰۰۰۰ نفر در دهه ۱۸۲۰، زمان استقلال، افزایش یافت. تا ۱۹۰۰، ۲ میلیون نفر از نژاد اسپانیایی در منطقه وجود داشتند و امروزه بیش از ۹ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند. مستیزوها، ترکیب سوم جمعیت، به همین نسبت افزایش یافته‌اند و تعداد نهایی مشابه آنها بیشتر است. پاراگوئه تنها کشوری است که الگوی متفاوتی آمیخته از سرخپوستها، مستیزوها و سفیدپوستها را به نسبت به ترتیب ۳، ۳، ۴ ارائه می‌کند. پاراگوئه، جمعیت بومی ۱۵۰۰۰۰ نفری سرخپوستان، امروزه به ۳۰۰۰۰ نفر تدریجاً کاهش یافته و بین مستیزوها (۷۵٪) و سفیدپوستها (۲۵٪) تقسیم شده است. باید از پاراگوئه نیز که به علت کاهش چشمگیری که در جمعیت در جنگ اتحاد سه گانه^{۱۱} در مقابل آرژانتین، برزیل، اروگوئه دچار آن شد، یاد شود. بین ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۵، دو سوم جمعیت مردان بزرگسال پاراگوئه جان باختند و یا ناپدید شدند و مجموع جمعیت از ۶۰۰/۰۰۰ به ۳۰۰/۰۰۰ نفر کاهش یافت.

از زمان ورود سلطه گران، مهاجرت به داخل و خارج کشورهای اکوادور، پرو، بولیوی و پاراگوئه از اهمیت نسبتاً کمی - دست کم در مقایسه با معیارهای قاره آمریکا - برخوردار بوده است. تعداد اندکی برده سیاه، کمتر از ۱۰۰۰۰۰ نفر، وارد پرو شدند و بین سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۸۷۵، تقریباً همین تعداد کارگران قراردادی چینی به این کشور داخل شدند. در ارتباط با جمعیت‌شناسی امروزی، از لحاظ نژاد این کشور از ترکیب قابل توجهی برخوردار نیست.

منابع اولیه و کتابشناسی

اینکها تمایل داشتند برای شمارش جمعیت و اشیاء، تکه‌های طناب را گره بزنند. اما چون کسی از شیوه کار آنها اطلاعی ندارد اندک مدارک برجای مانده، در حال حاضر ارزشی ندارند. درباره دوران اولیه استعمار، مجموعه متداولی از گمانها، تخمینها، سوابق مالیاتی و روح شماریه‌های کلیسایی برجای مانده است. شمارشهای سرانه در سده ۱۸ م. آغاز شد. سابقه سرشماری بدین قرار است. پرو: سالهای ۱۷۷۷، ۱۷۸۵، ۱۷۹۱، ۱۷۹۵/۶، ۱۸۱۳، ۱۸۳۶، ۱۸۵۰، ۱۸۶۲، ۱۸۷۶، ۱۸۹۰، ۱۹۶۱، ۱۹۷۲؛ اکوادور: سالهای ۱۹۰۵، ۱۹۵۰، ۱۹۶۲، ۱۹۷۴؛ بولیوی: سالهای ۱۸۳۱، ۱۸۵۴، ۱۸۸۲، ۱۹۰۰، ۱۹۵۰، ۱۹۷۶؛

پاراگوئه: سالهای ۱۸۸۶، ۱۸۹۹، ۱۹۳۵، ۱۹۵۰، ۱۹۷۲.

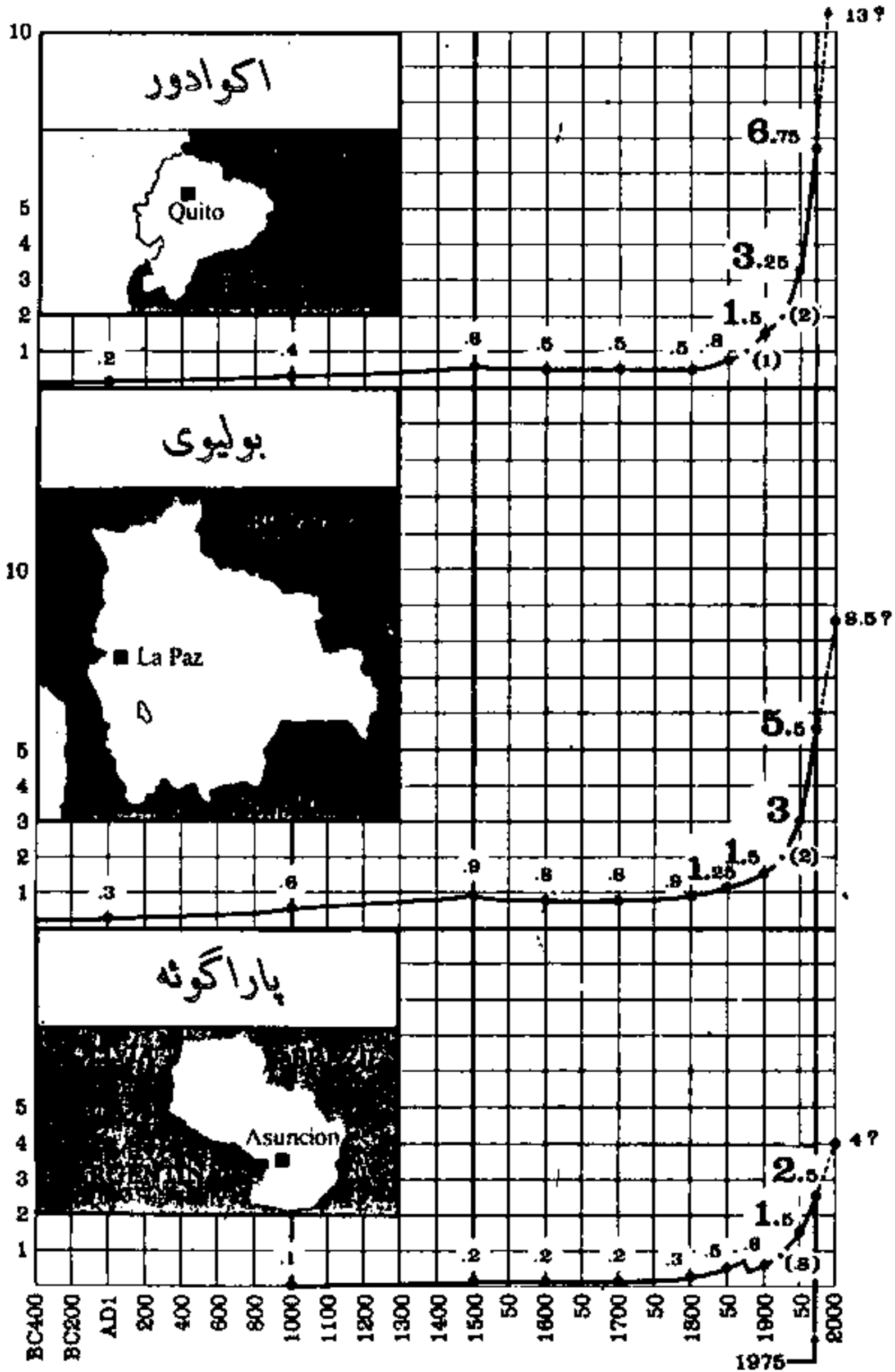
جمعیت امپراتوری اینکا موضوعی است که به اندازه تخمینهای مربوط به مکزیک در پیش از تصرف، بدان پرداخته شده است. بیشتر تخمینهای قدیمی ترین ۴ و ۱۰ میلیون نفر متفاوت است، اما اخیراً رقم ۳۹ میلیون توسط *D.N. Cook* در *Anuario del Instituto de Investigaciones Historicas 8 (1965)* پیشنهاد شده است. ما مجدداً رقم کمتر پیشنهادی *Rosenblat** را ترجیح می‌دهیم؛ با وجود این تخمین وی دربارهٔ پاراگوئه بسیار زیاد به نظر می‌رسد.

جمعیت شناسان تاریخی در سطح خوبی دربارهٔ پرو به تحقیق پرداخته اند. در بین آثار اخیر، پژوهش فشردهٔ بسیار خوبی انجام شده است توسط:

Centro de Estudios de Poblacion y Desarrollo, Informe demografico Peru 1970 (1972); G.Vollmer, Bevölkerungspolitik und Bevölkerungsstruktur im Vize konigreich Peru zu Ende der Kolonialzeit 1741-1821 (1967)

و همچنین مقالهٔ *Cook* تحقیق *G.Kubler* به زبان انگلیسی است. *The Indian Caste of Peru (1952) 1796-1940* هنوز هم بسیار سودمند است. *W. Steward, Chinese Bondage in Peru (1970)* این جریان جالب را در بر می‌گیرد. همچنین نگاه کنید به:

D.M. Rivarola and G. Heisecke, poblacion, urbanizacion recursos humanos en el Paraguay (1970) and A. Averange Mollinedo Aspectos generales de la poblacion boliviana (1956).



قاره آمریکا ۱-۸، ۳-۸، ۴-۸

/ جمعیت اکوادور در ۱۹۹۰ م.: ۱۰/۶۴۰/۰۰۰ نفر، بولیوی ۷/۳۰۰/۰۰۰ نفر، پاراگوئه ۴/۱۷۵/۰۰۰ نفر /

قاره آمریکا ۹

آرژانتین، شیلی و اروگوئه ۳/۷۱۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

۱-۹ آرژانتین ۲/۷۸۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

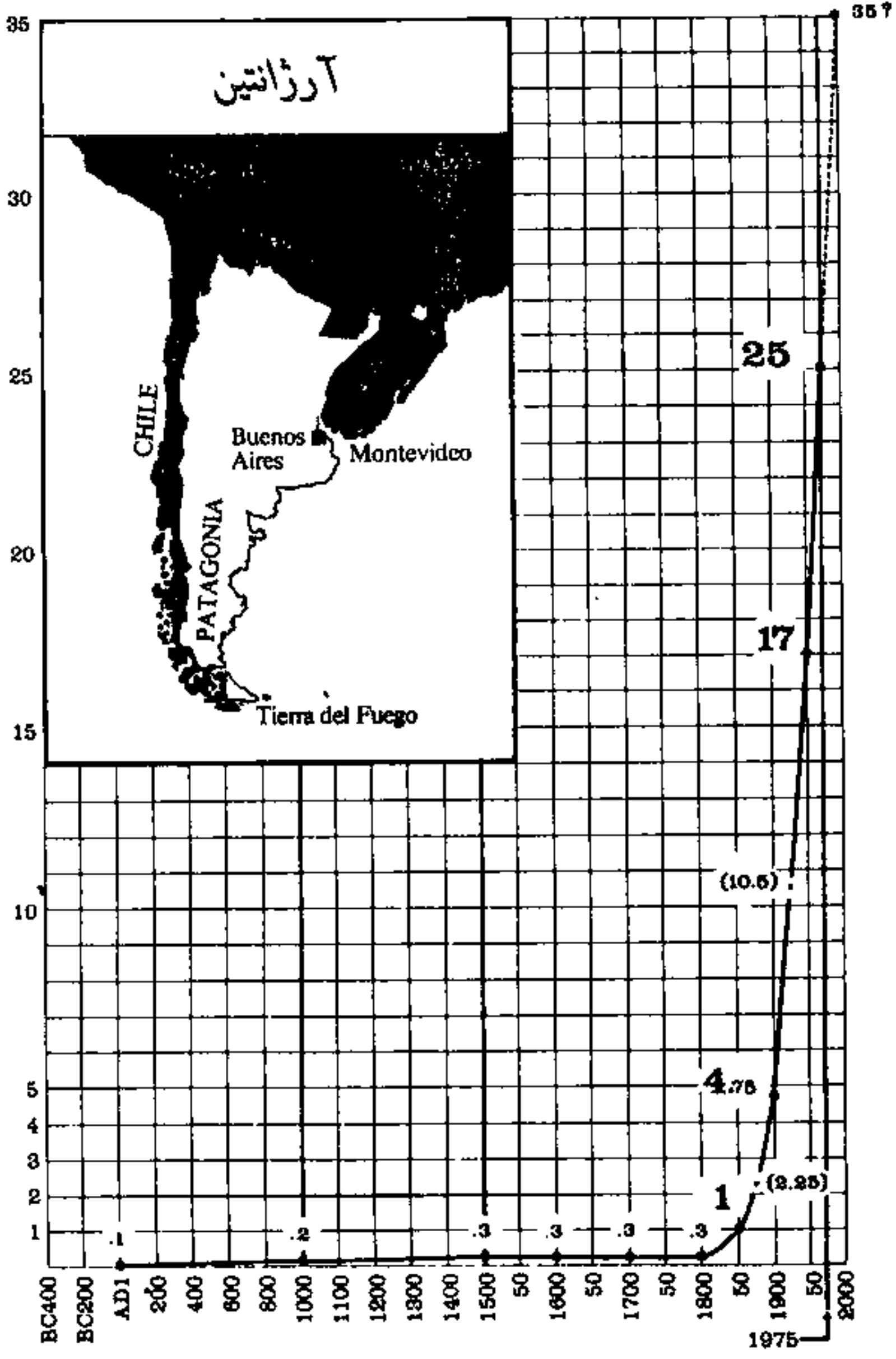
۲-۹ شیلی ۷۶۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

۳-۹ اروگوئه ۱۸۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

۱-۹ آرژانتین ۲-۹ شیلی

اگر یک استاد انسان شناس به روشن ساختن فرهنگهای سرخپوستان امریکایی ساکن در یک پنجم بخش جنوبی امریکای جنوبی در ۱۵۰۰ م. پرداخته بود، نمی توانست به صورت روشمندتری بدان دست یازیده باشد. در شمال شیلی و شمال غربی آرژانتین، روستاییانی بودند که در مرزهای امپراتوری اینکا می زیستند؛ در مناطق جنوبی تر، تعدادی از مردم ابتدایی که هنوز هم عقب مانده انگاشته می شوند، زندگی می کردند که در مناطق غیر مسکونی پاتاگونیا^{۱۵} و تیرادل فونگوگسترش یافتند. در این مناطق دور دست، مردم با روشهای گوناگون شکار، جمع آوری غذا، زراعت و کشاورزی گذران زندگی می کردند. مجموع جمعیت به کمتر از ۱ میلیون نفر بالغ می شد، از این تعداد با میزان تراکمى همراه با نظم اندک، به عنوان ویژگی مهم امریکای پیش از دوران کریستف کلمب یاد می شود.

تصرف این سرزمین توسط اسپانیا هیچ گاه به کمال خود نرسید و تعداد اسپانیاییها در منطقه به کندی افزایش یافت - از ۷۰۰۰۰ نفر در ۱۶۵۰ به ۳۰۰۰۰۰ نفر در زمان استقلال (آرژانتین در سال ۱۸۱۰ و شیلی ۱۸۱۸ به استقلال دست یافتند). تعداد سرخپوستها در همین دوران کاهش یافت - از ۸۰۰/۰۰۰ نفر در ۱۶۵۰ به ۳۵۰/۰۰۰ نفر در ۱۸۲۵ و هرچند تا آن زمان ۷۵۰/۰۰۰ مستیزویی همراه با آنان وجود داشتند که محاسبه شده اند، آرژانتینی ها و شیلی ها به دوران استقلال که ویژگی آن پایین بودن جمعیت است، پای نهادند. حتی در سال ۱۸۵۰ تعداد مردم آرژانتین و شیلی در بین آنان کمتر از



قاره امریکا ۱-۹

/ جمعیت آرژانتین در ۱۹۹۰ م.: ۳۲/۶۵۴/۰۰۰ نفر /

۲/۵ میلیون نفر بود و این تعداد پایین تر از حد استاندارد، آنها را به مهاجرت از اروپا تشویق می‌کرد. تنها آرژانتین به موفقیتی اساسی دست یافته بود و در همین حال هیچ‌گاه در سرشماریها بیش از ۵٪ جمعیت شیلی به عنوان زاده‌خارج از کشور ثبت نشده است. سرشماری سال ۱۹۱۴ آرژانتین بیش از ۱۰٪ متولدین خارج را ثبت نکرده است. در مجموع از سال ۱۸۵۰، آرژانتین دست کم ۲/۵ میلیون مهاجر را پذیرا بوده است و این رقم برای شیلی تنها ۲۰۰۰۰۰ نفر است.

تفاوت‌های به‌وجودآمده بین شیلی و آرژانتین اساسی است. جمعیت آرژانتین از زمان استقلال ۴۰ برابر افزایش یافته، ولی افزایش جمعیت شیلی تنها ۱۰ برابر بوده است. علاوه بر این جمعیت سفید پوست آرژانتین به صورتی غیر متناسب افزایش یافته است: از ۱۵۰۰۰۰ نفر در ۱۸۲۵ به ۱۵ میلیون نفر در ۱۹۵۰ (اکثریت مهاجرتهای آرژانتین بین ۱۸۸۰ تا ۱۹۵۰ بوده است و سالهای اوج آن دهه ۱۹۱۰ بود. تقریباً نیمی از آنها از ایتالیا و یک سوم از اسپانیا بدین کشور مهاجرت کردند). جمعیت سفیدپوست شیلی در همین دوران به صورتی متناسب رشد یافته است: از ۳۰۰۰۰۰ نفر به ۳ میلیون نفر. از این رو آرژانتین اکنون دارای ملتی با تبار عمدتاً اروپایی و تنها ۱۰٪ از جمعیت آن ادعا می‌کنند که سرخپوست و یا از نژادی در هم آمیخته هستند، در حالی که شیلی ملتی است که تقریباً به‌طور مساوی بین سفیدپوستها، سرخپوستان و تباری در هم آمیخته تقسیم می‌شود. در هر دو کشور، ترکیب در هم آمیخته جمعیت، دسته مهمتری را نسبت به سرخپوستها تشکیل می‌دهد. امروزه تنها در حدود ۳۰۰۰۰۰ سرخپوست، با نژاد اصیل بر جای مانده‌اند که بیشتر آنها در شیلی زندگی می‌کنند.

منابع اولیه و کتابشناسی

نسبت سرشماریها بسدین قرار است. آرژانتین: سالهای ۱۷۷۸، ۱۸۱۳، ۱۸۵۷، ۱۸۶۹، ۱۸۹۵، ۱۹۱۴، ۱۹۴۷، ۱۹۶۰، ۱۹۷۰؛ شیلی: سالهای ۱۷۷۷، ۱۸۱۳، ۱۸۳۲، ۱۸۴۴، ۱۸۵۴، ۱۸۶۵، ۱۸۷۵، ۱۸۸۵، ۱۸۹۵، ۱۹۰۷، و پس از آن از ۱۹۲۰ هر ۱۰ سال یک بار به جز ۱۹۵۲ بجای ۱۹۵۰. مدارک خوبی مربوط به آرژانتین وجود دارد که بیشتر آنها اخیراً نگاشته شده است:

J. Comadran Ruiz, Evolucion demografia Argentina durante el periodo hispana (1535-1820) (1969); E.J.A. Maeder, Evolucion. demografia Argentina 1810 - 1869 (1969) F. de Aparicio (ed), La Argentina: Suma de geografia, vol. 7 (1971).

تاریخ جمعیت شناسی شیلی بین ۱۷۰۰ تا ۱۸۳۰ در مقاله‌ای نوشته *M. Cormagnani* گنجانده شده است،

Journal of Social History 1,2 (1967).

و دوران پس از آن توسط *O. Cabello* در *Population Studies* 9,3 (۱۹۵۶) تحقیق شده است.

به طور معمول *Rosenblat** برای دستیابی به اطلاعات اولیه جمعیتی و *Sanchez Albornoz** برای ارقام مهاجرتهای اخیر نقطه شروع مناسبی است.

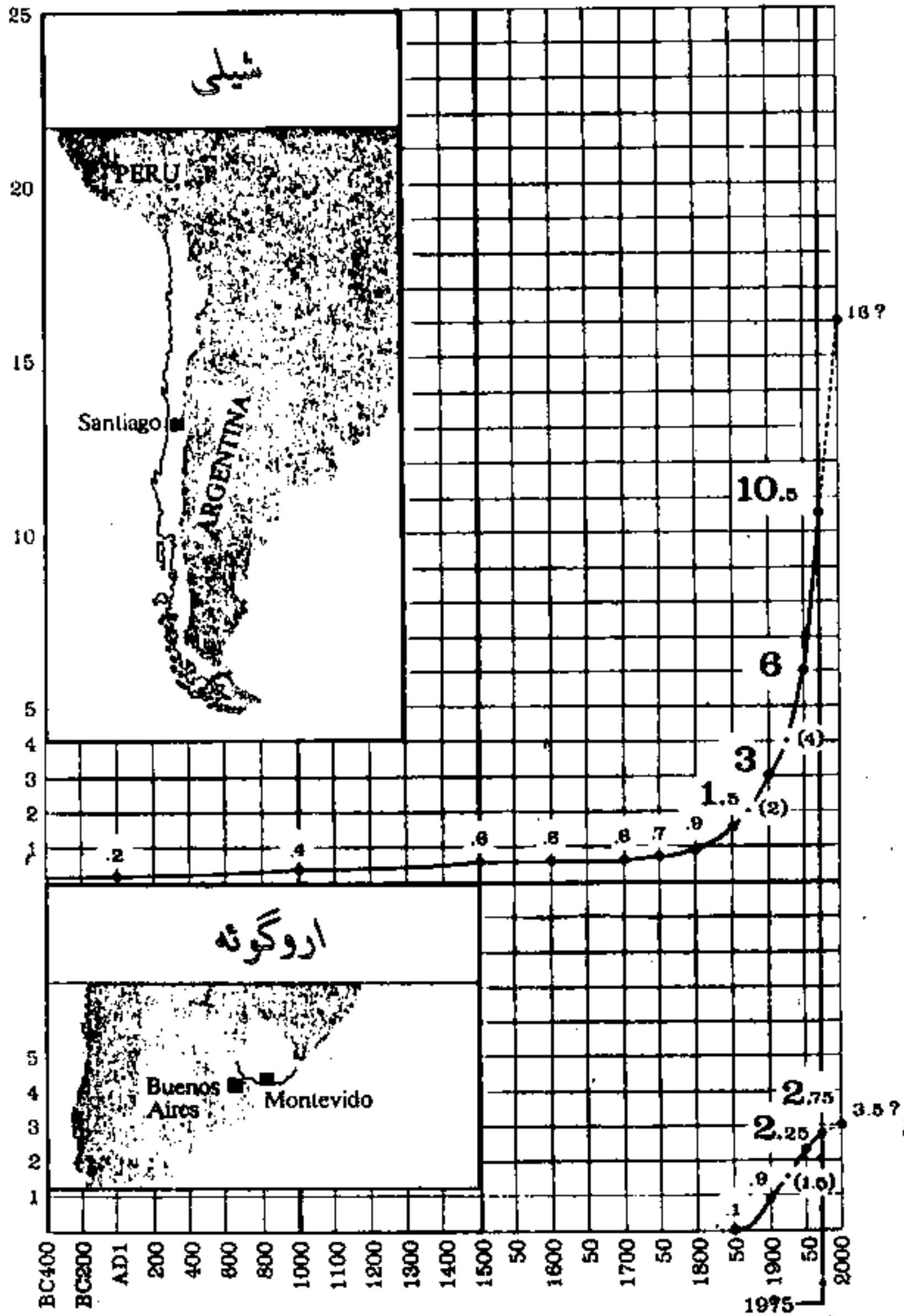
۹-۳ اروگونه

تاریخ جمعیت نگاری اروگونه همانند آرژانتین، اما در مقیاسی کوچکتر است. حدود ۱۰۰۰ ایریبایی، جایگزین ۱۰۰ سرخپوست منطقه در طول سده‌های ۱۶ و ۱۷ شدند. مونت ویدئو^{۴۶} در دهه ۱۷۲۰ بنیان نهاده شد و جمعیت به کندی افزایش یافت، تا اینکه در ۱۸۰۰ م. به ۴۰۰۰۰ نفر رسید. کسانی که بر زمینها مالکیت داشتند، در ستیز و جدال به سر می بردند؛ اسپانیاییها به بوئنوس آیرس^{۴۷} و پرتغالیها به ریودوزانیرو متمایل بودند. سرانجام کشمکش با توافق آرژانتین و برزیل بر تاسیس حکومت مستقل اروگونه به پایان رسید (۱۸۳۰ م.). جمعیت این کشور از ۷۵۰۰۰ نفر به ۱۳۰/۰۰۰ نفر در ۱۸۵۰، ۹۰۰/۰۰۰ نفر در ۱۹۰۰ و ۲/۲۵۰/۰۰۰ نفر در ۱۹۵۰ رسیده است. امروزه جمعیت اروگونه در رقم ۲/۷۵۰/۰۰۰ نفر باقی مانده است و تقریباً تمامی آنها از نژاد اروپایی هستند. مهاجرت، نقش مهمی در رشد جمعیت اروگونه بازی می کند و درون ده مطلق به ۵۰۰/۰۰۰ نفر در ۱۵۰ سال اخیر بالغ می شود. بیشتر مهاجران از اروپای جنوبی در اواخر سده نوزدهم به این کشور پای نهادند. یک سوم از آنها در مونت ویدئو که اکنون نیمی از جمعیت کشور را در خود جای داده است، سکونت کردند.

منابع اولیه و کتابشناسی

درباره تاریخ جمعیت اروگونه به اندازه کافی توسط:

E.M. Narancio and F. Capurro Calamet, Historia y analisis estadistico de la



قاره امریکا ۱-۹ و ۲-۹

/ جمعیت شیلی در ۱۹۹۰ م. : ۱۲/۹۹۰/۰۰۰ نفر، اروگوئه ۲/۹۸۹/۰۰۰ نفر /

poblacion del Uruguay (1939).

و (1966) *J.A.Oddone, la formacion del Uruguay Moderno* تحقیق شده است. جنبه ناخوشایند اطلاعات اولیه، بی نظمی سرشماریهاست. سرشماریهای متوالی در این سالها انجام شده است: ۱۸۵۲، ۱۸۵۴، ۱۹۰۸، ۱۹۶۳، ۱۹۷۵.

پانوشتها:

1 - New World

2 - Great plains

3 - Yohgan

۴ - تیرادلفوئگو Tierra del Fuego : مجمع الجزایری در جنوب امریکای جنوبی.م.

۵ - جزایر آنتیل Antilles : مجموعه جزایر هند غربی (جز باهاما)، شامل آنتیل بزرگ Greater

Antilles (کوبا، هائیتی، دومینکن، جامائیکا، پورتوریکو)، آنتیل کوچک Lesser Antilles و بقیه جزایر.م.

6 - Rio Grande

۷ - آرناندو کورتز Cortez ، پوینده اسپانیایی که ابتدا به کمک خرافات موجود در آرتکها که سفیدپوستان اسپانیایی را به عنوان اعقاب گتالکوآتل، خداوند فرمانروای باستانی خود می پنداشتند، پایتخت آرتک را گرفت و سپس به دنبال کشتار آرتکها و در پی آن جنگ بین بومیان آرتکی و اسپانیاییها، کواتر تموک، فرمانروای آرتکی کشته شد و کورتز مجدداً تنوچتیتلان را در ۱۵۲۱ میلادی تصرف کرد. م.

8- Tenochtitlan

9- Pizarro

10- Nova Scotia

11- Great Migration

12- Wisconsin

13- Athabaskan

۱۴- ژاک کارتیه Cartier ، دریانورد فرانسوی که در اواسط نیمه نخست سده نوزدهم خلیج و رود سنت لارنس را برای نخستین بار درنوردید و کبک را کشف کرد. م.

15- St. Lawrence

16 - Ruperts Land

17- New found land

۱۸- نیو برانزویک New Brunswick : یکی از ایالت‌های ده گانه کنونی کانادا با مساحت ۷۴۴۳۷ کیلومتر مربع و با جمعیت تقریبی ۷۵۰۰۰۰ نفر که مرکز آن فرد ریکتون است. م.

۱۹- پرنس ادوارد آیلند Prince Edward Island : یکی از ایالت‌های کانادا با مساحت ۵۶۵۷ کیلومتر مربع و با جمعیت تقریبی ۱۵۰۰۰۰ نفر که مرکز آن شارلوت تاون است. م.

۲۰- نیو فوندلند New found land : یکی از ایالت‌های کنونی کانادا با مساحت ۴۰۴۵۱۷ کیلومتر مربع و با جمعیت تقریبی ۶۰۰۰۰۰ نفر که مرکز آن سنت جونز است. م.

21- James Town

۲۲- می فلاور May flower : نام کشتی که تعدادی از مهاجران را به آمریکا آورد. م.

23- Maine

24- East Coast

۲۵- پورتوریکو Puer to Rico : جزیره‌ای در دریای آنتپ، از مستعمرات آمریکا. م.

26- Hernan Cortez

27-Gulf Coast

۲۸- مستیزو Mestizo : دورگه‌های اروپایی و سرخ پوست و یا آمریکایی و سیاه پوست در آمریکای لاتین. م.

29- Chicano

30- Ciboney

31- Arawak

32- Caribs

۳۳- جزایر بادگیر یا جزایر ویندوارد Windward Islands : مجموع جزایر جنوبی آنتیل های کوچکتر در هند غربی که عموماً بر خطی منحنی به سوی جنوب، از جزایر بادپناه به طرف شمال شرقی ونزوئلا کشیده شده است. جزیره‌های عمده آن عبارتند از مارتینیک، دومینیکا، سنت لوسیا، سنت وینسنت، گرانادا و جزایر آنتیل هلند. م.

۳۴- هند غربی West Indies مجمع الجزایری به طول ۲۳۰۰ کیلومتر بین آمریکای شمالی و جنوبی در خلیج مکزیک و دریای کارائیب. م.

35- Hispaniola

36- St Kitts

37- Barbado

38- Guade loupe

39- Martinique

40- Curacao

41- Trinidad

42- Tobago

۴۳ - مولاتو Mulatto : نژادی دو رنگه شامل اروپایی و سیاه پوست.م.

* Cuzco

** Atahualpa

44- Triple Alliance

45- Patagonia

46- Montevideo

47- Buenos Aires

۱ استرالیا
۲ ملانزی
۳ پلینزی
۴ زلاندنو

